

حقیقت غیرت و شاخص‌های شناختی و عاطفی آن

رضا کریمی^۱

چکیده

غیرت از صفات والای انسانی بوده و واکنشی فطری و حساسیتی مراقبتی است که فرد را برای دفاع از ارزش‌های انسانی-الهی یا حقوق اختصاصی‌اش رودرروی متجاوز قرار می‌دهد و با رشد ایمان تکامل می‌یابد. پژوهش حاضر حقیقت غیرت را به روش توصیفی-تحلیلی از منابع نقلی تبیین کرده و به ذکر شاخص‌های شناختی و عاطفی آن پرداخته است. انسان غیور غیرت را در حوزه شناختی، ارزشی عالی می‌داند و ناموس مردم را ناموس خود می‌بیند. او در مرتبه‌ای بالاتر، دین را نیز ناموس خود به‌شمار می‌آورد و در دفاع از آن، نگاهی مقاومتی دارد. چنین شخصی در حوزه هیجان نیز خشم و اندوه و حب و بغض را بروز می‌دهد و نسبت به حراست از حریم ناموس خود بی‌تفاوت نیست.

کلیدواژه: غیرت، حراست از دین، حفظ ناموس، شاخص‌های شناختی، شاخص‌های عاطفی.

۱. مقدمه

خداوند انسان را آفرید و از روح خود در او دمید و رشد و کمالش را در متخلق شدن به اخلاق خود قرار داد و از او خواست تا به رنگ خدا درآید. یکی از صفات الهی‌ای که نقش

مهمی در رشد و تکامل انسان و الهی شدن او ایفا می‌کند و او را محبوب خداوند قرار می‌دهد، غیرت است. پرورش ملکه غیرت در جان و روح انسان مستلزم شناخت حقیقت غیرت و کسب معرفت نسبت به شاخص‌های آن است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ می‌دهد که حقیقت غیرت و مهم‌ترین شاخص‌های شناختی و عاطفی - هیجانی آن از منظر قرآن و روایات چیست؟ به‌گونه‌ای که اگر فردی خواست غیرت خود را بسنجد و بصیرت اخلاقی خود را افزایش دهد یا ملاکی برای سنجش غیرت دیگران داشته باشد، بتواند از این شاخص‌های قرآنی و روایی کمک بگیرد.

۲. پیشینه تحقیق

در موضوع غیرت، مقالات و کتاب‌های متعددی نوشته شده که هرکدام از زاویه‌ای این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ از جمله:

- علی مختاری در مقاله «عوامل و اسباب بی‌غیرتی» عواملی مانند ضعف ایمان، نفاق و شراب و نقش آن‌ها در تضعیف و زوال غیرت را تبیین می‌کند.

- در مقاله «غیرت و کارکردهای آن در آموزه‌های دینی» از فیض‌الله اکبری دستک و دیگران، مقوله غیرت و کارکردهای آن در آموزش دینی و نقش آن در سرنوشت دنیا و آخرت بررسی می‌شود.

- عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی نیز در مقاله «آثار ارزشمند غیرت در جامعه» به تأکید دین بر غیرت و رزی و ذکر مصادیق غیرت و رزی انبیا می‌پردازد.

- همچنین نرجس رودگر و زهرا قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «هنجارشناسی غیرت جنسی در اسلام از منظر روایات»، ضمن تأکید بر اهمیت غیرت و رزی از منظر دین و فطری دانستن آن، به این شبهه پاسخ می‌دهند که چگونه ممکن است غیرت جنسی در جنسی مذموم و در جنسی دیگر ممدوح باشد؟

مقالات دیگری نیز تألیف شده که هر یک با تعریف و تبیین غیرت، به اهمیت عوامل،

موانع و آثار این مفهوم و پیامدهای بی‌غیرتی پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک شاخص‌های غیرت را با دسته‌بندی ارائه‌شده در پژوهش حاضر تبیین نکرده‌اند.

۳. غیرت در لغت و اصطلاح

غیرت در لغت به معنای صلاح، اصلاح، نفع رساندن و برخی مصادیق نفع‌رسانی مانند غذا دادن و سیراب کردن و ... آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴ / ۴۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۴۰). واژه غیرت از تغییر و تغیر گرفته شده (دهخدا، ۱۳۹۰: ۴۱۲)؛ چراکه انقلابی هیجانی در فرد ایجاد کرده و او «را تحریض به دفاع از عزّت، آبرو، شرف، دین، ناموس و ... می‌سازد (همان‌جا). در شفاف‌ترین تعریف لغوی غیرت چنین آمده است: «غیرت یک نوع نفرت طبع ناشی از بخل‌ورزی در مشارکت داشتن دیگران در چیزی است که محبوب و مورد علاقه شدید انسان است» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۳۲). در اصطلاح دانشمندان علوم اسلامی نیز «غیرت و حمیت، تلاش در نگهداری آن چیزی است که حفظش ضروری است و یکی از ملکه‌های شریف نفسانی است» (نراقی، بی‌تا: ۳۰۱). به عبارت دیگر، «حمیت و غیرت آن است که آدمی نگاهبانی کند دین خود و عرض خود و اولاد و اموال خود را» (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۲۱). در این تعاریف، بر بعد مراقبتی غیرت تأکید شده؛ چنان‌که به تعبیر علامه طباطبایی غیرت «دگرگونی حالت انسان از حالت عادی و اعتدال است؛ به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدّساتش اعم از دین، ناموس یا جاه و امثال آن تجاوز کرده، از جای خود می‌کند» (طباطبایی ۱۳۵۱: ۴ / ۱۷۵). در اینجا علامه بر بعد هیجانی و دفاعی غیرت تأکید کرده است. برخی نیز غیرت را دفاع شدید از حقوق اختصاصی یا گروهی در مقابل حرمت‌شکنان می‌دانند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷: ۳ / ۴۳۱) و برخی دیگر بر بعد معرفتی و مراقبتی غیرت تأکید دارند؛ به گونه‌ای که انسان «هویت و محدوده خود را بشناسد، کسی را وارد حریم خود نکند و وارد حریم دیگری هم نشود» (سخنرانی آیه الله جوادی آملی، ۱۳۹۱/۶/۱۸). با توجه به تعاریف لغوی و اصطلاحی می‌توان غیرت را چنین تعریف کرد: غیرت

واکنشی فطری و حساسیتی مراقبتی است که انسان را برای دفاع از ارزش‌های انسانی و الهی یا حقوق اختصاصی خود با هیجان‌ات تندی از جنس خشم و اندوه از جا کنده و رودرروی متجاوز قرار می‌دهد و با رشد ایمان تکامل می‌یابد.

این تعریف از حقیقت غیرت مشتمل بر پنج عنصر ماهیت‌ساز است و با فهم این عناصر می‌توان درک بهتری از مفهوم غیرت در ذهن شکل داد.

از مجموع این تعاریف و با توجه به آیات و روایات، مؤلفه‌های معنایی غیرت به شرح زیر تبیین می‌شود:

۳-۱. مؤلفه‌های معنایی غیرت

الف) فطری بودن

انسان فطرتی الهی دارد و اشرف صفات و ملکات در او به ودیعه گذاشته شده که غیرت یکی از آن‌هاست. غیرت از صفات خداست؛ چنان‌که پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۳۶)؛ خدا غیور است و غیرتمندان را دوست دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۳۶). به تعبیر علامه طباطبایی، «غیرت یکی از فطریات آدمی است و اسلام هم دینی است که براساس فطرت تشریح شده (روم/۳۰) و امور فطری را تعدیل می‌کند. پس آن اموری را که در حیات بشر لازم و ضروری است، معتبر و واجب می‌سازد و آنچه را غیرضروری است، حذف کرده، از اعتبار می‌اندازد» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۴/۱۷۵).

بی‌شک غیرت امری فطری است و دست خدا آن را در طبیعت انسان سرشته است؛ چنان‌که اگر کسی در جایگاه غیرت ورزیدن غیرت نوزد، انسانیتش مسخ می‌شود. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغْرُ وَمَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۲۳۸)؛ همانا خداوند نسبت به مؤمن غیرت دارد و کسی که غیرت نمی‌ورزد، قطعاً قلبش وارونه است. امام باقر علیه السلام در روایتی قلب منکوس را قلبی دانسته‌اند که هیچ خیری در آن نیست: «... لَا يَعِي شَيْئاً مِّنَ الْخَيْرِ ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۲۱۲).

نتیجه اینکه غیرت در فطرت انسان ریشه دارد و همه انسان‌ها درجاتی از آن را دارند یا زمانی داشته‌اند؛ اما بر اثر گناه یا تربیت غلط، آن را از دست داده‌اند.

بدین سان انسان‌های جاهلی مانند راسل که غیرت را صفت ممدوحی نمی‌دانند و ریشه آن را بخل و امساک و خودپرستی و حاصلش را حسادت مردانه معرفی می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۹/۴۱۴) یا کسانی که این صفت والای فطری را تعصب کور به شمار می‌آورند، بی‌راهه رفته‌اند.

ب) دفاعی بودن

غیرت ماهیتی دفاعی دارد و مدافع متعلقات انسان و حافظ منافع اختصاصی اوست. بنابراین تا عاملی خارجی موجب احساس تهدید نشود، غیرت مجالی برای تحقق نمی‌یابد. در آیات و روایات، هنگامی که از غیرت سخن به میان می‌آید، پای یک مهاجم و متجاوز نیز در میان است؛ برای نمونه در آیه زیر خداوند بر غیرت مردان مسلمان انگشت نهاده و آنان را به دفع متجاوز تحریک می‌کند: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ ...﴾ (نساء / ۷۵)؛ شما را چه شده که در راه خدا و نجات مردان و زنان و کودکان مستضعفی که زیر سلطه دشمن‌اند، نمی‌جنگید؟

علامه طباطبایی ذیل این آیه بر دفاعی بودن غیرت تأکید کرده و می‌نویسد: غیرت نیرویی است که «آدمی را در مواقعی که احساس کند، دیگران به منافع او تجاوز می‌کنند و رعایت احترام مقدسات، مثلاً اطفال و ناموس او را نمی‌کنند یا در صددند آبروی او را بریزند و خاندان او را هتک نمایند یا کاری دیگر از این قبیل بکنند، و ادار به دفاع می‌سازد و این لزوم دفاع از خود و از متعلقات خود حکمی است که فطرت به گردن بشر انداخته و به وی الهام کرده ...» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۴/۴۱۹).

غیرت دفاع از آن چیزی است که حفظش ضروری است و اگر انسان در مقابل مهاجم به حریم خود به دفاع برنخاست و غیرت به خرج نداد، به تعبیر روایت پیش خدا منفور می‌شود (وری، ۱۴۰۸: ۱۱/۹۹). از روایت پیامبر خدا ﷺ نیز استفاده می‌شود: «هنگامی که

غیرت کسی توسط متجاوز نسبت به خانواده و متعلقاتش برانگیخته شود و او عکس‌العمل غیورانه نشان ندهد، خداوند روح ایمان را از او جدا می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۳۶).

بسیاری از احکام دفاعی اسلام بر این امر فطری بنا شده‌اند؛ مانند وجوب دفاع در مقابل متجاوز که یک قسم آن دفاع ناموسی است. فتوای امام راحل علیه السلام در این زمینه چنین است: «اگر به ناموس کسی، خواه همسرش باشد یا دیگران، به قصد تجاوز حمله شود، واجب است به هر وسیله ممکن آن را دفع کند؛ گرچه به کشتن مهاجم بینجامد. بلکه اگر قصد آبروریزی به کمتر از تجاوز هم داشته باشد، به ظاهر حکمش همین است» (امام خمینی، ۱۴۳۴: ۱/۵۱۷).

بنابراین چه گفته شد، غیرت دفاعی مقدس است که تا مهاجم و متجاوز نباشد، بروز نمی‌یابد. این قید یکی از تفاوت‌های مهم غیرت و حسد است. توضیح مطلب اینکه حسد مانند سگ هاری است که بی دلیل به دیگران هجوم می‌برد؛ ولی غیرت همیشه در مقام دفاع است.

ج) مراقبتی بودن

غیرت حساسیتی روحی برای مراقبت از مرزهای الهی و انسانی است. خداوند متعال که به تعبیر روایت «مَا أَحَدٌ أَغْيَرُ مِنَ اللَّهِ، هیچ‌کس از الله غیورتر نیست» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۱۲)، به پیامبر و مؤمنان دستور می‌دهد که نسبت به مرزهای الهی و انسانی به شدت حساس باشند؛ به گونه‌ای که نه تنها از خطوط قرمز تجاوز نکنند، بلکه نزدیک آن هم نشوند و چون مراقبت از حدود، فرع معرفت است، خداوند متعال حدودش را به طور دقیق مشخص می‌کند: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ» (بقره / ۱۸۷). سپس خداوند امر می‌کند که «فَلَا تَقْرَبُوهَا» (بقره / ۱۸۷)؛ این حدود الهی است به آن‌ها نزدیک هم نشوید. البته چنانچه کسی مراقبت نکند، قرآن او را ظالم به نفس دانسته (طلاق / ۱) و به او وعده دخول به آتش می‌دهد (نساء / ۱۴). در مقابل، به مراقبین حدود الهی نیز بشارت داده می‌شود (توبه /

۱۱۲). همچنین هرکاری که زمینه تعرض به حدود الهی را فراهم کند، مورد نهی قرآن قرار می‌گیرد؛ مثل نهی مؤمنان از نگاه به نوامیس مردم: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...﴾ (نور/ ۳۰)؛ پیامبر، به مردان با ایمان دستور بده چشم‌چرانی نکنند و پاک‌دامن باشند....

در این آیه، ابتدا مراقبت از چشم و سپس پاک‌دامنی مورد تأکید قرار گرفته است. آیت‌الله جوادی آملی نیز مرزشناسی و مراقب از مرزها را از ارکان غیرت می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۱/۶/۱۸).

خداوند برای این نواهی و اوامر غیورانه خود، ضمانت اجرایی قدرتمندی به نام غیرت در وجود انسان تعبیه کرده تا مانند یک پلیس مخفی از ارزش‌ها و حریم‌ها مراقبت کند. شهید مطهری نیز غیرت را پاسبان حریم‌ها می‌داند و می‌نویسد: «غیرت نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل‌ها در وجود بشر نهاده است. سراینکه مرد حساسیت فوق‌العاده در جلوگیری از آمیزش همسرش با دیگران دارد، این است که خلقت مأموریتی به او داده است تا نسب را در نسل آینده حفظ کند. این احساس مانند احساس علاقه به فرزند است» (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۹/۴۱۴).

بنابراین غیرت حساسیتی انسانی نسبت به طهارت جامعه و واکنشی مراقبتی نسبت به چیزهایی است که مراقبت از آن‌ها در مقابل متجاوز به حکم عقل، شرع و عرف واجب است.

د) هیجانی بودن

وقتی غیرت انسان برانگیخته شود، خشمی سریع و سیل‌آسا به همراه اندوهی عمیق در جان او شکل می‌گیرد؛ خشم و اندوهی که سرچشمه اش علاقه به محبوب مورد تهدید و بغض نسبت به مهاجم یا عمل متجاوزانه اوست که در علائم عاطفی غیرت به آن پرداخته خواهد شد.

ه) ایمانی بودن

در مراتب تکامل یافته‌تر غیرت، ایمان عنصر مهمی به‌شمار می‌آید؛ چنان‌که در روایات متعددی غیرت از جنس ایمان دانسته شده یا اینکه غیرت به‌عنوان محصول شجره طیبه ایمان معرفی می‌شود؛ ازجمله پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ» (لیثی، ۱۳۷۶: ۳۴۷)؛ غیرت مرد ایمان است و نیز: «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيْمَانِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۴۴۴)؛ به‌درستی که غیرت از ایمان است. توضیح مطلب اینکه ایمان، انسان را به حفظ دین و مقدسات و ناموس دعوت می‌کند و آن کس که بی‌غیرت باشد و از موارد یادشده دفاع نکند، در واقع ایمان ندارد یا ایمانش ثمر نداده است. در روایتی دیگر، پیامبر ﷺ به‌صورت مؤکد غیرت را از صفات مؤمن برشمرده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغَارُ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ...»؛ به‌درستی که خداوند غیرت دارد و به‌درستی که مؤمن غیرت دارد» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲: ۳۰۹). ذکر غیرت مؤمن کنار غیرت خداوند و عطف جمله دوم به جمله اول نشان‌دهنده این است که غیرت از صفات والای انسانی است و انسان را آفریده‌اند تا مزین به صفات عالی و متخلق به اخلاق الهی شود. در این میان، ایمان نقشی مهم ایفا می‌کند و مهم‌ترین بستر رشد و قوی‌ترین سبب، برای تکامل و تعدیل غیرت به‌شمار می‌آید. با بررسی مواردی که غیرت در آن‌ها به‌صورت بسیار قوی ظهور پیدا کرده، این ادعا قابل اثبات است. بی‌ظنیرترین صحنه‌های غیرت را در تاریخ عالم، مؤمنان و جامعه ایمانی آفریده‌اند که کربلا به‌عنوان تجلی غیرت دینی و ناموسی، برجسته‌ترین نمونه آن است. در دفاع مقدس نیز رزمندگان ما کم‌ظنیرترین صحنه‌های غیرت را به نمایش گذاشته‌اند؛ برای نمونه سه تکاور به شهادت رسیدند تا جسد عریان دختری را از بالای تیر برقی در خرمشهر پایین بیاورند و به خاک بسپارند (سایت خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۳/۸/۸) در عالم امروز هم شاهدیم که فقط اهل ایمان به مقتضای غیرتشان، مدافع مظلومان غزه هستند و دیگران به ابراز تأسف بسنده کرده‌اند.

بنابراین ایمان در تکوین و رشد غیرت نقش مهمی دارد و مراتب عالی غیرت از ایمان متولد می‌شود.

۲-۳. شاخص‌های غیرت

شاخص در لغت به معنای «برجسته» است (سیاح، ۱۳۸۰: ۱/ ۹۴۱) و در اصطلاح پایان‌نامه، «شاخص‌ها نشانه‌های عینی قابل شناسایی و اندازه‌گیری مفاهیم هستند» (<https://forooghepasargad.com>)؛ برای نمونه وقتی می‌خواهیم مفهوم پیری را از طریق شاخص‌های آن تبیین کنیم، می‌گوییم سفیدی مو، چین و چروک پوست، لرزش دست و ... که همه از شاخص‌های احتمالی پیری‌اند و البته سن، شاخص قطعی پیری است. شاخص‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند: شاخص‌های شناختی، عاطفی و رفتاری. در پژوهش حاضر به شاخص‌های شناختی و عاطفی پرداخته شده است.

نکته: منظور ما از علایم عینی اعم از علائمی است که آثار آن با چشم سر یا با چشم دل دیده شود یا با علم حضوری درک گردد؛ چنان‌که در بعضی از آیات قرآن نیز منظور از رؤیت، رؤیت با چشم سرنیست (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۱۶ / ۱۱۶).

۱-۲-۳. شاخص‌های شناختی غیرت

انسانی که دارای ملکه فاضله غیرت است، در حوزه‌های شناختی از جمله توجه، ادراک و تصمیم‌گیری به علایمی برخورد می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها از آیات و روایات، به عنوان شاخص‌های غیرت استخراج می‌شود.

الف) ناموس‌انگاری نوامیس مردم

انسان غیور ناموس مردم را ناموس خود می‌داند؛ به‌گونه‌ای که نه تنها خود حرمت مردم را حفظ می‌کند، بلکه مراقب است دیگران نیز حرمت آنان را پاس بدارند و در مقابل کوچک‌ترین هتک حرمتی به ناموس مردم، چنان‌که گویی ناموس خودش هستند، واکنش نشان می‌دهد. کلام امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زنی یهودی که لشکریان شام در مملکت اسلامی خلخال از پایش ربوده بودند، ناشی از این نگاه بود: «اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). شهید مطهری نیز درباره انسان‌های غیور می‌نویسد: «اشخاص

غیور نسبت به همسر خود حساس‌تر می‌گردند و حتی نسبت به ناموس دیگران نیز حساس هستند؛ یعنی وجدانشان اجازه نمی‌دهد که ناموس دیگران مورد تجاوز قرار گیرد و ناموس اجتماع ناموس خودشان می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۹/۴۱۷).

قرآن دربارهٔ ورود حضرت موسی علیه السلام به مدین می‌فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْكُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص / ۲۳)؛ و هنگامی که به چاه آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را آب می‌دهند و در کنار آنان دوزن را دید که از گوسفندان خویش مراقبت می‌کنند و به چاه نزدیک نمی‌شوند. موسی به آن دو گفت: منظور شما از این کار چیست؟ گفتند: ما آن‌ها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهنسالی است. قرآن در ادامه می‌فرماید: «فَسَقَى لَهُمَا...» (قصص / ۲۴)؛ گوسفندان آنان را آب داد... در این آیات، حیای دختران حضرت شعیب و غیرت موسی علیه السلام به زیبایی بازتاب یافته است. نگاه حضرت موسی علیه السلام به دختران شعیب برخاسته از غیرت شدید او نسبت به زنان عقیف جامعه بود؛ چراکه با همهٔ خستگی و گرسنگی چندروزه بی‌تفاوت عبور نکرد و آنان را با نامحرمات تنها نگذاشت؛ بلکه گوسفندانشان را آب داد و چنان مرزها را رعایت کرد که یکی از دختران شعیب علیه السلام از پدرش خواست او را به عنوان اجیر استخدام کند: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص / ۲۶)؛ یکی از آن دختران به پدرش پیشنهاد داد: «پدرجان، استخدامش کن؛ زیرا بهترین فرد برای این کار کسی است که مانند این آقا قوی و امین باشد». روشن است که دختران شعیب فضایل خاصی مانند غیرت و عفت مشاهده کرده بودند که موسی علیه السلام را امین توصیف کردند؛ همان‌گونه که امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت‌داری این جوان را فهمیدی که او را امین می‌خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر من، مرا راهنمایی کن تا مبادا به قامت من چشم بدوزد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳/۴۴).

علامه طباطبایی نیز در این باره می‌نویسد: «از اینکه دختر شعیب موسی علیه السلام را قوی و

امین معرفی کرد، فهمیده می‌شود که آن دختر از نحوه عمل موسی علیه السلام در آب دادن گوسفندان فهمیده است که او مردی نیرومند است. همچنین از عفتی که آن جناب در گفت‌وگو با آن دو دختر از خود نشان داد و از اینکه غیرتش تحریک شد و گوسفندان را آب داد و نیز از طرز به راه افتادن او تا خانه پدرش شعیب، چیزهایی دیده که به عفت و امانت او پی برده است» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۱۶ / ۲۶).

نتیجه اینکه برخلاف فرهنگ غرب که روح بی تفاوتی را در این زمینه گسترش داده و غیرت و حیا را تابومی داند (رک شلیت و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۶) انسان غیور ناموس دیگران را ناموس خود به شمار آورده و این نگاه و نگرش، او را مراقب و معین نوامیس مردم قرار می‌دهد.

ب) ناموس‌انگاری دین

کسی که غیرت در او به ملکه‌ای قدرتمند تبدیل شده، نه تنها نسبت به طهارت ناموس خود و دیگران حساس می‌شود، بلکه دین را نیز ناموس خویش می‌داند. چنین فردی در دفاع از حریم قدسی دین شدیدترین واکنش‌ها را از خود نشان می‌دهد و به زیبایی به این توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام جامه عمل می‌پوشاند که «اگر جانت در خطر قرار گرفت، مالت را فدای جانت کن و اگر دینت در خطر قرار گرفت، جان و مالت را فدای دینت کن» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۶). اسوه غیرتی مثل حضرت عباس علیه السلام به این حدیث در کربلا عینیت بخشیدند. ایشان وقتی دست راستشان قطع شد، این رجز را خواندند: «وَاللّٰهُ اِنْ قَطَعْتُمُوْا يَمِيْنِيْ، اِنِّيْ اُحَامِيْ اَبْدًا عَنْ دِيْنِيْ؛ به خدا سوگند اگر دست راستم را هم قطع کنید، هرگز از یاری دینم دست برنخواهم داشت» (مقرم، ۱۳۸۷: ۳۳۰). در احادیث، گاه دین به عزیزترین کسان انسان تشبیه شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اَخْوَكْ دِيْنَكَ فَاَحْتَطْ لِدِيْنِكَ» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۸۳)؛ دینت برادر توست برای دینت احتیاط کن. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی «تویک برادر داری و آن دین توست؛ دور دینت را دیوار بکش که کسی طمع نکند» (سخنرانی آیه‌الله جوادی آملی،

۱۳۹۱/۱۱/۲۶). اگر انسان غیرتش رشد کند، دینش را از عزیزترین کسانش کمتر نمی‌بیند. بدین سان انسان غیور همان‌گونه که برای دفاع از ناموس خود، بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن، به شدت واکنش نشان می‌دهد، برای دفاع از ارزش‌های دینی نیز فداکاری‌ها می‌کند. در واقع نگاه مؤمن به دین نیز مانند نگاه خداوند به دینش ناموسی است؛ چراکه به تعبیر آیت‌الله مصباح یزدی، «قانون خدا ناموس خداست» (سخنرانی آیه‌الله مصباح یزدی، ۱۳۹۶/۳/۷). البته این نگاه مؤمنی است که به مراتب بالاتری از غیرت رسیده و تکامل بیشتری یافته است.

ج) ارزش‌انگاری غیرت

انسان غیور، چنان‌که ملامهدی نراقی می‌نویسد، غیرت را یکی از فضایل و ارزش‌های والای انسانی می‌بیند: «و هِيَ شَرَّائِفُ الْمَلَكَاتِ»؛ غیرت از شریف‌ترین ملکه‌های انسانی است (نراقی، بی‌تا: ۱/۳۰۱). برخلاف کسانی که غیرت را تعصب کور می‌بینند یا مانند راسل آن را از بخل و تنگ‌نظری می‌دانند (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۹/۴۱۴)، نگاه مؤمن به غیرت از این احادیث نورانی شکل می‌گیرد:

آنچه محبوب خداست از اشرف ملکات و فضایل انسانی به شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که هرکس آن صفت را در مرتبه قوی‌تری داشته باشد، افضل است و به خدا نزدیک‌تر. - پیامبر خدا ﷺ بعد از مشاهده واکنش سعد هنگام نزول آیه‌ای درباره آوردن شاهد برای اثبات خیانت همسر فرمودند: «أَتَعْجَبُونَ مِنْ عَيْتَةِ سَعْدٍ فَوَاللَّهِ لَأَنَا أَعْيَرُ مِنْهُ وَاللَّهُ أَعْيَرُ مِنِّي مِنْ أَجْلِ عَيْتَةِ اللَّهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ»؛ آیا از غیرت سعد تعجب می‌کنید؟ به خدا قسم، من از سعد غیورترم و خدا از من غیورتر است و به خاطر غیرتش کارهای زشت ظاهری و باطنی را حرام کرد (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۱/۲۲۳).

براین اساس غیرت از صفات خداست و در مقربین به خدا تجلی قوی‌تری دارد. کسی که چنین نگرشی به غیرت دارد، آن را گوهری ارزشمند و سرمایه‌ای گران‌بها می‌داند و در تقویت آن می‌کوشد و از عوامل تضعیف‌کننده آن پرهیز می‌کند. امروزه دشمن با ابزار

تبلیغاتی خود به این شاخص، حمله شدیدی کرده و با ترویج نگاه‌های فمینیستی در ارزش دانستن غیرت تردید ایجاد کرده است (ر.ک شلیت و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۵).

د) نگاه مقاومتی در دفاع از ارزش‌ها

انسان غیور معتقد است که در دفاع از مرزهای انسانی و الهی باید سرسخت‌ترین مقاومت‌ها را از خود نشان دهد؛ اگرچه لازم باشد که بزرگ‌ترین هزینه‌ها را بپردازد. در قرآن کریم، بارها گفتارها یا رفتارهای غیورانه‌ای نقل شده که برخاسته از این نگاه است؛ از جمله هنگامی که زلیخا و زنان هوس باز مصر از یوسف خواستند که برخلاف مقتضای غیرت عمل کند و تسلیم خواسته‌های نامشروع آنان شود، وی به خدا عرضه داشت: ﴿قَالَ رَبِّ السَّجُنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ﴾ (یوسف / ۳۳)؛ گفت: خدایا، زندان برایم خوش‌تر است از کار زشتی که این زن‌ها به آن دعوت می‌کنند.

پیامبر خدا ﷺ که غیورترین خلق خدا هستند، در حدی غیرت دینی و استقامت از خود نشان دادند که خداوند برای تسلای قلب مبارکشان این آیه را نازل فرمود: ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء / ۳)؛ [ای پیامبر! گویی می‌خواهی به خاطر آنکه مشرکان ایمان نمی‌آورند، [از شدت اندوه] خود را هلاک کنی.

«باخع از ماده بَخَع (بروزن بخش) به معنی هلاک کردن خویشتن از شدت غم و اندوه است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۵ / ۱۸۴). این تعبیر نشان می‌دهد که تا چه اندازه پیامبر ﷺ نسبت به مردم دل سوز بوده و در انجام رسالت خویش اصرار و پافشاری داشته است. آری، انبیا به ویژه پیغمبر اکرم، ﷺ مظهر غیرت بودند و بیش از حد انتظار در دفاع از ارزش‌ها از خود مقاومت نشان می‌دادند.

انسان‌های غیور نگرش سرسخت مقاومتی دارند و اهل معامله بر سر ارزش‌ها یا کوتاه آمدن و سازش درباره آن‌ها نیستند. در وجود چنین اشخاصی کوچک‌ترین نشانه‌ای از بی‌غیرتی دینی، ناموسی و سیاسی مشاهده نمی‌شود؛ به‌گونه‌ای که آرزوی دشمن نرمش آنان است: ﴿وَدَّوْا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم / ۹)؛ دوست دارند کوتاه بیایی تا کوتاه بیایند.

«مداهنه به معنای روغن مالی بوده و کنایه از نرمی و روی خوش نشان دادن است» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۱۹/۳۷۱). به تعبیر المیزان، «دوست دارند کمی تواز دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند و هر یک درباره دین دیگری مسامحه روا بدارید؛ چنان‌که نقل شده کفار به رسول خدا ﷺ پیشنهاد کرده بودند از تعرض به خدایان ایشان کوتاه بیاید و ایشان هم متقابلاً متعرض پروردگار او نشوند» (همان‌جا).

درمقابل نگاه مسئولانه مقاومتی به ارزش‌های دینی و انسانی، عده‌ای قائل به کوتاه آمدن از ارزش‌ها هستند که در روزگار ما گویا بعضی از آن‌ها تحت تأثیر نظریه تسامح و تساهل جان لاک قرار گرفته‌اند. جان لاک، فیلسوف معروف انگلیسی، در رساله‌ای با عنوان «مکتوبی در باب تساهل و مدارا» با بیان این معنا که «دولت و کلیسا و افراد نباید در کار یکدیگر مداخله کنند، مفهومی منفی از تساهل و مدارا ارائه کرد. به اعتقاد لاک، مردم باید از دخالت در افکار، عقاید، شیوه زندگی، علایق فرهنگی و آیین عبادی خودداری کنند...» (رستگار، ۱۳۸۱: ۳۳). در یک کلام، نسبت به ارزش‌ها بی تفاوت باشند و کاری به کار همدیگر نداشته باشند. بارزترین جلوه چنین تفکری خود را در ترک امر به معروف و نهی از منکر و فضولی انگاشتن آن نشان می‌دهد.

مقام معظم رهبری کسانی را که از ارزش‌های اسلامی و انقلابی در مقابل مستکبران عالم کوتاه می‌آیند، بی غیرت می‌دانند و در یکی از سخنرانی‌هایشان خطاب به آنان گفته‌اند: «کسانی که دم از مذاکره با آمریکا می‌زنند، یا از الفبای سیاست چیزی نمی‌دانند یا الفبای غیرت را بلد نیستند؛ یکی از این دو تاست. درحالی‌که دشمن این‌طور اخم می‌کند، این‌طور متکبرانانه حرف می‌زند، این‌طور به ملت ایران اهانت می‌کند...» (مقام معظم رهبری، ۱/۳/۱۳۸۱).

خلاصه اینکه انسان غیور، از نظر فکری و شناختی، غیرت را ارزشی عالی می‌داند و معتقد است که در این مسیر باید سرسختانه استقامت کرد و در دفاع از حدود الهی و ارزش‌های انسانی کوتاه نیامد. او همچنین ناموس مردم را ناموس خود می‌داند و نسبت به طهارت و پاکی و حفظ حرمت آنان حساسیت بسیار دارد و در درجات کامل تر غیرت،

قانون و دین خدا را نیز ناموس خود می‌انگارد. وجود هریک از این شاخص‌ها در فرد به صورت قطعی بر مراتبی از غیرت دلالت دارد.

۲-۲-۳. شاخص‌های عاطفی غیرت

هنگام برانگیخته شدن غیرت، عواطف و هیجاناتی به صورت علم حضوری تجربه می‌شوند که در این قسمت درباره آن‌ها به عنوان شاخص‌های عاطفی غیرت بحث می‌شود.

الف) احساس خشم و اندوه

انسان غیور وقتی غیرتش برانگیخته شود، متناسب با اهمیت مورد، هیجانات تند و سیل‌آسایی تجربه می‌کند. حضرت موسی علیه السلام وقتی از کوه طور برگشت و انحراف گوساله‌پرستی را در بنی اسرائیل مشاهده کرد، غیرتش به جوش آمد. قرآن احساس موسی را این‌گونه توصیف می‌فرماید: «فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا» (طه / ۸۶)؛ موسی عصبانی و ناراحت به میان مردم برگشت.

«کلمه غضبان صفت مشبهه از ماده غضب بوده... و اسف به معنای اندوه و شدت غضب است» (طباطبایی، ۱۳۵۱: ۱۴ / ۱۹۱). موسی علیه السلام که تجسم غیرت بود، با آگاهی از آسیب دینی بنی اسرائیل، غیرتش به جوش آمد و سرتاسر وجودش را خشم و اندوه فراگرفت؛ چنان‌که با برادر خود هارون حتی برخورد عملی کرد تا مردم عمق فاجعه را دریابند. به تعبیر قرآن، حضرت هارون علیه السلام به او فرمود: «قَالَ يَا اِبْنَ اُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي اِنِّي خَشِيتُ اَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي اِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (طه / ۹۴)؛ هارون گفت: «ای پسر مادرم، نه ریش مرا بگیر و نه [موی] سرم را، من ترسیدم بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سخنم را مراعات نکردی». این پاسخ از جمله رفتارهای کاشف از هیجانات قوی است.

بنابراین احساس ناراحتی و عصبانیت شدید هنگامی که مرزهای الهی و انسانی مورد تهدید و تجاوز قرار گرفته، از شاخص‌های عاطفی غیرت و از علائم انسان‌های غیور

است. واکنش شدید اسوه مهربانی، پیامبر خدا ﷺ، نسبت به چشم چرانی حکم این دو علامت عاطفی را به خوبی نشان می‌دهد.

حکم بن ابی العاص، پدر مروان، به رغم مسلمانی و هجرت به مدینه، شخصی هوس باز و منحرف بود. روزی پیامبر در حجره یکی از همسرانش بود. حکم از درز در به داخل آن حجره نگاه کرد. پیامبر ﷺ چنان از چشم چرانی او ناراحت شد که عصای سرکچی را که نوک تیزی داشت، برداشت و او را تعقیب کرد. حکم گریخت و پیامبر به او نرسید و فرمود: «اگر او را می‌گرفتم، چشمش را بیرون می‌آوردم». سپس دستور داد حکم و مروان را از مدینه به طائف تبعید کردند (قمی، ۱۴۱۴/۱: ۳۹۲).

خشم و اندوه شدید در موضع برانگیخته شدن غیرت، از خصایص اولیای الهی بوده و از جمله الگوهای غیرت و شاخص‌های مسلم آن است.

ب) احساس حبّ و بغض

حبّ و بغض، عواطف زیربنایی غیرت هستند؛ زیرا تا محبت شدیدی به محبوب وجود نداشته باشد، نسبت به متجاوز نیز بغض شدیدی ایجاد نخواهد شد و تا این دو نباشند، واکنش‌های عاطفی و رفتاری مبتنی بر غیرت شکل نخواهند گرفت. در تعریف لغوی غیرت نیز دانستیم که «غیرت نفرت طبیعی از مشارکت غیر در امر محبوب است» (طریحی، ۱۳۷۵: ۹۶۸). در روایات و نظرات عرفا هم این معنا مشهود است که محبت زیربنای غیرت است (بنگرید به: شهری، ۱۳۷۱: ۸۹-۹۶).

اسحاق بن عمار می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم که بانویی نسبت به شوهر خود غیرت ورزیده و او را از این جهت مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد. امام صادق علیه السلام بدون آنکه آن زن را در این ارتباط مقصر اعلام نماید. بیان فرمود که دلیل چنین غیرتی، عشق و علاقه آن بانوبه شوهر خویش است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۵۰۶). از این روایت جایگاه محبت و نقش آن در تکوین غیرت به خوبی روشن می‌شود.

غیرت واکنشی است که باعث حفظ و صیانت محبوب و قطع تعلق غیر به محبوب

می‌شود. به قول خواجه عبدالله انصاری، «محبت با غیرت هم عنان است؛ آنجا که آتش محبت آمد، سموم باد غیرت بخاست» (انصاری، ۱۳۷۷: ۹۶). محبت شدید همیشه غیرت را به دنبال دارد؛ بنابراین غیرت دینی انسان نیز از محبت شدید او به خداست. خداوند متعال درباره مؤمنان می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِّلَّهِ﴾ (بقره / ۱۶۵)؛ از این رو هرآنچه منسوب به خداست، اعم از کتاب و سنت و اولیای الهی، به محبت عمیق مؤمنان متعلق است. بدین سان دین بالاترین محبوب مؤمن به شمار می‌رود؛ چنان‌که مؤمن با همه توان از حریم دین دفاع می‌کند و از حرمت شکن متنفر است. توالاً (دوستی با خدا و دوستان او) و تبرّاً (دشمنی با دشمنان خدا) جلوه‌های غیرت دینی‌اند که در قرآن به عنوان ویژگی‌های حزب الله مطرح شده (مجادله / ۲۲؛ مائده / ۵۶) و در بسیاری از زیارت‌نامه‌های شیعه مانند عاشورا، آل یاسین، جامعه کبیره و... در کنار انتظار فرج از مضامین محوری به شمار می‌آیند.

در تفاوت بین بغض و غضب لازم است، اشاره شود که بغض به معنای تنفر نفس از چیزی است و در مقابل آن، حب به معنای میل و کشش نفس به چیزی قرار دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۳۶)؛ اما خشم و غضب به معنای اراده آسیب‌رسانی به کسی است که مورد غضب انسان واقع شده (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۲۳) و با قصد انتقام‌جویی و فوران خون قلب همراه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۸). از این رو می‌توان گفت بغض از احساسات بادوام و ماندگار نفسانی است که غالباً برخاسته از جهان‌بینی یا منافع اختصاصی است و جنبه درونی دارد؛ اما غضب از احساسات گذرا و موقت است که جنبه بیرونی دارد و برای انتقام برانگیخته می‌شود.

با این توضیحات حبّ و بغض و خشم و اندوه به جا و به‌هنجار از شاخص‌های عاطفی غیرت است.

نتیجه‌گیری

غیرت واکنشی فطری و دفاعی مقدّس است که انگیزه‌ای قوی برای مراقبت از روابط

سالم، محافظت از مرزهای ارزشی و حقوق اختصاصی ایجاد می‌کند. این مفهوم ماهیتی هیجانی دارد و از جنس نور و ایمان است.

غیرت در حوزه شناختی آثاری ایجاد می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها این است که فرد ناموس دیگران را ناموس خود به‌شمار آورده و در مراتبی بالاتر، دین را نیز ناموس خود می‌بیند و با نگاهی مقاومتی و به‌دور از تساهل و تسامح به دفاع از حریم آن خود برمی‌خیزد.

در حوزه عاطفی نیز غیرت آثاری از خود بروز می‌دهد که از جنس خشمی پرخاشگری و اندوهی شدید است که بر عواطف زیربنایی حب و بغض استوار شده است؛ حب به محبوبی که فرد نسبت به او غیرت می‌ورزد و بغض نسبت به متجاوز یا به عمل تجاوزکارانه او. کسی که در جایگاه برانگیخته شدن غیرت، این حالات شناختی و عاطفی بر او عارض نشود، به تعبیر روایت به واژگونی قلب دچار شده است.

شاخص‌های ذکرشده در پژوهش حاضر، هم برای ارزیابی نفس در تهذیب‌کارایی دارد و هم برای مریبان‌تربیتی‌ای که درک علایم شناختی و عاطفی غیرت در اتخاذ راهکارهای تربیتی برایشان ضروری است.

در پایان به محققان و معلّمان پیشنهاد می‌شود که به تأثیر افکار فمینیستی بر افول غیرت در جوامع اسلامی توجه داشته باشند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان (نرم‌افزار جبل‌المتین).
۲. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مشهور، قم، ۱۳۷۹ ش.
۳. نهج‌الفصاحه؛ کلمات قصار پیامبر ﷺ، گردآوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۴. انصاری، خواجه عبدالله، مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری، محمد سرور مولایی، توس، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.

۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، تصحیح: علی اکبر غفاری، جماعة المدرّسين، قم، ۱۴۰۴ ق.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، تحقیق: عاشور علی، خیام، قم، ۱۴۰۰ ق.
۸. ابن فارس، أحمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الأعلام، قم، ۱۴۰۴ ق.
۹. ابن منظور، محمّد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. امام خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۴۳۴ ق.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، مؤسسه لغت نامه دهخدا، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. راغب اصفهانی، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. رستگاری، مرتضی، «غیرت دینی و امر به معروف و نهی از منکر»، *پیام حوزه*، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. سیاح، احمد، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. شلیت، وندی و دیگران، *فمنیسم در آمریکا تا ۲۰۰۳*، ترجمه معصومه محمّدی، دفتر نشر معارف، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. شهری، محمّد، «غیرت در بینش عرفانی»، *کیهان اندیشه*، شماره ۴۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱ ش.
۱۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، ناشر: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. طباطبایی، محمّد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۵۱ ش.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمّد، *مجمع البحرين*، المکتبة المرتضویة، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. عسکری، حسن بن عبدالله، *الفروق فی اللغة*، دار الآفاق الجديدة، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
۲۱. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، اسوه، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. کلینی، محمّد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. لبیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ* (للیثی) ناشر: دارالحکم، چاپ اول، قم، ۱۳۷۶ ش.
۲۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. مفید، محمّد بن محمّد، *الأمالی*، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. مرقم سیّد عبدالرضا، *مقتل الحسین علیّه السلام*، ترجمه علی مخدومی، انتشارات نصایح، قم، ۱۳۸۷ ش.

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۸. نراقی، احمد، *معراج السعاده*، هجرت، قم، ۱۳۷۸ ش.
۲۹. نراقی، مهدی، *جامع السعادات*، تصحیح: کلانتر محمد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا.
۳۰. نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸ ق.

سایت‌ها

۳۱. «سخنرانی آیه الله جوادى آملی در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۱۸».
https://eitaa.com/a_javadiamoli_doross
۳۲. سایت خبرگزاری دفاع مقدس. <https://defapress.ir/>
۳۳. «سخنرانی آیت الله محمدتقی مصباح یزدی در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۷».
<https://mesbahyazdi.ir/node/>
۳۴. «سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۱/۳/۱ در دیدار با خانواده‌های شهدا».
<https://www.rajanews.com/news/>
۳۵. «معنا و مفهوم شاخص در انجام پایان‌نامه و مقاله».
<https://forooghepasargad.com/mainPage/NewsMain/details/Indicator>